

قائم‌به‌شخص بودن داوری و استفاده از دستیاران حقوقی در داوری‌های بین‌المللی

محمدجعفر قنبری جهرمی *

سید محمدعلی عبداللهی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/CILAMAG.2019.90551.1556

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

چکیده

استفاده از دستیاران حقوقی در داوری‌های بین‌المللی، به‌ویژه در پرونده‌های بزرگ و پیچیده، رویه رایج شده است. به نحوی که داوران یا دیوان داوری، بسیاری از امور شکلی یا ماهوی پرونده را با کمک دستیاران خود که غالباً از میان کارآموزان و وکلای جوان انتخاب می‌شوند انجام می‌دهند. بی‌تردید، بهره‌گیری از خدمات دستیاران حقوقی مزایای متعددی از جهت زمان، هزینه و کارآمدی جریان داوری دارد و برای داوران این امکان را فراهم می‌کند که عمده وقت خود را صرف تمرکز بر پرونده و تعمق در نکات و ابعاد مختلف آن کنند و در مقابل، اموری مانند طبقه‌بندی اسناد و مدارک، تنظیم جلسات داوری و یادداشت‌برداری از دفاعیات طرفین را به دستیاران خود بسپارند. با وجود این، در سال‌های اخیر این مسئله مطرح شده است که واگذاری امور به دستیاران حقوقی با قائم‌به‌شخص بودن امر داوری تعارض دارد، چرا که طرفین اختلاف، داوران را به سبب ویژگی‌ها و اوصاف شخصی‌شان انتخاب کرده‌اند و انتظار می‌رود داوران نیز با پذیرش سمت خود، این وظیفه را شخصاً انجام دهند. این نگرانی زمانی پررنگ‌تر می‌شود که در برخی موارد، امور ماهوی پرونده، از جمله گردآوری و مطالعه منابع حقوقی و رویه‌قضایی مرتبط، تلخیص لوایح طرفین، شرکت در جلسات شور و نگارش پیش‌نویس بخش‌هایی از رأی داوری نیز به دستیاران سپرده می‌شود. پژوهش حاضر به تعارض میان قائم‌به‌شخص بودن امر داوری و بهره‌گیری از خدمات دستیاران حقوقی در داوری‌های بین‌المللی می‌پردازد. بدین منظور، قواعد مختلف سازمان‌های داوری، نظرات علمای برجسته حقوق و رویه‌قضایی در این خصوص بررسی و تلاش شده معیاری برای قضاوت در خصوص نقض یا عدم نقض قائم‌به‌شخص بودن امر داوری به دست داده شود.

mjg.jahromi@gmail.com

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

sma.abdollahi@gmail.com

** نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

واژگان کلیدی

داوری بین‌المللی، دستیار حقوقی، قراردادهای قائم‌به‌شخص، تفویض اختیار قضایی

مقدمه

نهاد داوری که امروزه یکی از روش‌های اصلی و شایع حلّ مسالمت‌آمیز اختلافات، به‌ویژه در قراردادهای تجاری بین‌المللی است، در واقع ریشه در این قاعده پذیرفته حقوقی دارد که طرفین دعوا، علاوه بر حق رجوع به محاکم ملی، می‌توانند در مواردی که قانون تجویز (و بعضاً الزام) کرده باشد، اختلافات حقوقی خود را به شخص یا اشخاص ثالث ارجاع دهند^۱ و با تراضی قبلی، رأی و نظر ایشان را به مثابه حکم قاضی دادگاه، الزام‌آور و لازم‌الاتباع کنند.^۲ بنابراین، اساساً داوری بر تراضی میان طرفین دعوا و شخص یا اشخاصی که به‌عنوان داور یا دیوان داوری^۳ منصوب می‌شوند مبتنی است^۴ و به همین دلیل، بنیادی‌ترین، یا حداقل یکی از بنیادی‌ترین اصول داوری، اصل آزادی و حاکمیت اراده طرفین است.^۵

از سوی دیگر، مشابه سایر حوزه‌هایی که افراد روابط خود را بر اساس آزادی اراده تنظیم می‌کنند، ارجاع اختلاف به داوری نیز از طریق انعقاد موافقت‌نامه صورت می‌گیرد. این قرارداد ابتدائاً یا به‌صورت شرط داوری یا به‌صورت موافقت‌نامه مستقل داوری میان طرفین تنظیم می‌شود و داور نیز پس از پذیرش سمت خود به‌عنوان داور، در واقع متعهد می‌شود بر اساس موافقت‌نامه مذکور میان طرفین، فصل خصومت کند.

فارغ از جنبه‌های مختلف حقوقی رابطه میان طرفین دعوا و داور، موضوع اصلی پژوهش حاضر، وصف «قائم‌به‌شخص بودن»^۶ وظیفه داوری است. به عبارت دیگر، تردیدی وجود ندارد که انتخاب یک یا چند فرد به‌عنوان داور در پرونده از سوی طرفین، به سبب ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص آن افراد، از جمله تخصص، تجربه، اوصاف اخلاقی و خصائص فردی است و بنابراین قرارداد داوری در زمره قراردادهایی است که «مباشرت» طرف قرارداد در اجرای تعهدات قراردادی از اهمیت اساسی برخوردار است^۷ که اصطلاحاً به تعهدات یا قراردادهای «قائم به شخص» معروف هستند. در

۱. ن.ک: سیدحسین صفایی؛ حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، چاپ سوم، میزان، ۱۳۹۰، ص ۸۸.

۲. شمس، عبدالله و سیدفرهاد بطحائی؛ «ماهیت حقوقی داوری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۹۴، ص ۶.

۳. جهت سهولت امر، در این نوشتار منظور از «دیوان داوری» اعم از داور منفرد یا هیئت داوری متشکل از بیش از یک داور است.

۴. صفایی؛ همان، ص ۱۲۰.

۵. نیکبخت، حمیدرضا؛ داوری تجاری بین‌المللی: آیین داوری، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰، ص ۲۰.

6. *Intuitu personae*

7. Bernhard Berger, "Rights and Obligations of Arbitrators in the Deliberations", *ASA Bulletin*, vol. 31, 2014, p. 255.

قراردادهای قائم به شخص، انجام تعهدات قراردادی تنها به وسیله شخص طرف قرارداد امکان دارد و طرف قرارداد نمی تواند از طریق اعطای نمایندگی یا تفویض اختیار به اشخاص ثالث، تعهدات خود را اجرا کند.^۸ بنابراین، داور نیز باید شخصاً نسبت به انجام وظایف داورى اقدام کند و نمی تواند جز با رضایت طرفین دعوا، امر داورى را به شخص ثالثی تفویض یا واگذار کند.

با این حال، داوران در غالب اوقات جهت اداره بهینه جریان داورى، تسهیل امور، صرفه جویی در وقت و... از «دستياران حقوقى» استفاده می کنند و این امر، رویه رایج در داورى هاى بين المللى شده است.^۹ دستياران وظایف متعددی دارند و در امور مختلف به داور یا دیوان داورى کمک می کنند. به عنوان مثال، دستياران از جلسات داورى، صورت جلسه تهیه، مدارک و مستندات طرفین دعوا را تنظیم و طبقه بندی، حقایق پرونده را گردآوری و تدوین می کنند و به صورت کامل و خلاصه در اختیار داور قرار می دهند، در برخی مسائل حقوقى مورد نیاز داور پژوهش و منابع و مستندات لازم را برای او فراهم می کنند.

بی تردید بهره گیری از خدمات این دستياران حقوقى که غالباً کارآموزان حقوقى یا وکلای جوان هستند، منافع بسیاری برای داوران و روند داورى داشته است، ولی کثرت استفاده از دستياران حقوقى و تفویض برخی از امور ماهوى به ایشان، پرسش ها و نگرانی هاى متعددی را در سال هاى اخیر مطرح کرده است که یکی از مهم ترین آن ها، تعارض میان قائم به شخص بودن وظیفه داورى، از یک سو، و تفویض امور یا حداقل برخی از امور به دستياران حقوقى، از سوی دیگر است. البته تقریباً همه حقوق دانان در این خصوص متفق القول اند که امر داورى قائم به شخص و لذا غیر قابل واگذارى به ثالث است، ولی اختلاف در مقام اثبات و تعیین مصادیق است. برخی از حقوق دانان بر این عقیده اند که اساساً داور نباید و نمی تواند امور ماهوى مربوط به داورى را به شخص دیگری واگذار کند و دستياران حقوقى صرفاً باید در مسائل شکلى و اعدادى ورود داشته باشند. در مقابل، گروه دیگر ضمن ارائه تفسیرى مضیق از تفویض اختیار، حتی واگذارى امور ماهوى به دستياران قضایى را مادامی که اصل «تصمیم گیری» به عهده داور است، بدون اشکال می دانند.

۱. وظایف دستياران حقوقى

پیش از ورود به تشریح وظایف دستياران حقوقى، اشاره به این نکته ضرورت دارد که در رویه داورى هاى بين المللى، افرادی که در مسائل پیش گفته به داوران یا دیوان هاى داورى کمک می کنند

۸. ن.ک: ناصر کاتوزیان؛ دوره مقدماتى حقوق مدنى: اعمال حقوقى، چاپ دوازدهم، میزان، ۱۳۸۶، ص ۲۱۹؛ على رضایى و میلاد امیرى؛ «انتقال موافقت نامه داورى»، مجله مطالعات حقوقى شیراز، دوره نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۰۸.

9. Redfern and Hunter, *Law and Practice of International Commercial Arbitration*, 4th edn., Sweet & Maxwell, 2004, p. 224.

گاهی با «دستیار»^{۱۰} و گاهی «منشی یا دبیر»^{۱۱} دیوان داوری خطاب می‌شوند. در قواعد داوری نیز میان وظایف دستیاران و دبیران تفکیک وجود دارد به نحوی که گروه اخیر صرفاً به امور اداری داوری اشتغال دارد در حالی که گروه نخست در مواردی به امور شکلی یا ماهوی داوری نیز می‌پردازد. با این حال، فارغ از تفاوت‌های دستیاران و دبیران و با توجه به اینکه این اصطلاحات در ادبیات لاتین^{۱۲} نیز گاهی به‌جای هم به‌کار می‌روند، در این مقاله به‌طور کلی هر فردی که به منظور انجام وظایف مشروح در این گفتار نصب می‌شود، «دستیار حقوقی» نامیده می‌شود، فارغ از تفاوت‌هایی که بعضاً میان دستیاران، مشاوران یا دبیران در داوری‌های بین‌المللی وجود دارد. با توجه به گستردگی و گوناگونی داوری‌های بین‌المللی به سبب وجود سازمان‌های متعدد داوری بین‌المللی و همچنین وفور داوری‌های موردی،^{۱۳} امروزه وظایف متعدد و متنوعی به دستیاران حقوقی واگذار می‌شود که استقرای تمام آن‌ها از عهده نوشتار حاضر خارج است. با این حال، تلاش می‌شود از خلال اسناد و قواعد سازمان‌های داوری، وظایف اصلی دستیاران حقوقی استخراج و احصا شود.

«شورای بین‌المللی داوری تجاری بین‌المللی»^{۱۴} گزارش شماره ۱ خود را که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، به موضوع دستیاران حقوقی در داوری‌های بین‌المللی اختصاص داد. این گزارش که تحت نظر حقوق‌دانان و وکلای برجسته در زمینه داوری‌های بین‌المللی گردآوری و تنظیم شده است، حاصل بررسی‌های میدانی و آماری از بیش از یک‌صد سازمان داوری، داور و وکیل بین‌المللی است که به پرسش‌های مشخصی در خصوص نصب و استفاده از دستیاران حقوقی پاسخ داده‌اند. بر اساس گزارش یادشده، وظایف دستیاران حقوقی در داوری‌های بین‌المللی را می‌توان به دو دسته کلی وظایف اداری و وظایف غیراداری تقسیم کرد. وظایف اداری دستیاران حقوقی عبارت‌اند از: تنظیم جلسات دیوان و جلسات استماع، گردآوری و تنظیم مدارک و مستندات دعوا، یادآوری جلسات و مواعد به داوران و طرفین دعوا و سایر امور اداری داوری به‌ویژه در فقدان سازمان‌های داوری (در داوری‌های موردی). به‌علاوه، وظایف غیراداری یا ماهوی دستیاران عبارت‌اند از: انجام پژوهش‌های حقوقی برای دیوان داوری، تهیه پیش‌نویس دستورهای شکلی دیوان داوری و سایر اسناد مشابه، تهیه شرح پرونده و تلخیص آن، طراحی پرسش‌های مربوط به حقایق پرونده و شهادت شهود، ارتباط و مکاتبه با طرفین دعوا یا سازمان داوری به نمایندگی از دیوان داوری، بررسی لوایح

10. Arbitral assistant

11. Arbitral secretary

12. Hong-Lin Yu and Masood Ahmed, "Keeping the Invisible Hand under Control? – Arbitrator's Mandate and Assisting Third Parties", *Vindobona Journal of International Commercial Law and Arbitration*, vol. 19, no. 213, 2016, p. 225.

13. *Ad hoc*

14. International Council for Commercial Arbitration (ICCA)

طرفین دعوا، تهیه پیش‌نویس رأی داوری یا بخش‌هایی از آن، و شرکت در جلسات شور دیوان داوری.^{۱۵}

علاوه بر گزارش یادشده، «کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال)»^{۱۶} در گزارشی با عنوان «مدیریت جریان داوری»، وظایف دستیاران حقوقی را شامل طیف گسترده وظایف اداری و ماهوی برشمرده، اگرچه به این امر اشاره کرده است که «تصمیم‌گیری» در خصوص دعوا نباید به دستیاران واگذار شود.^{۱۷} در این گزارش، وظایفی مانند هماهنگی زمان و مکان برگزاری جلسات دیوان و تدارکات، تهیه خلاصه حقایق پرونده یا خلاصه جریان رسیدگی، گردآوری رویه قضایی مورد نیاز دیوان و پیش‌نویس دستورهای شکلی، در زمره وظایف دستیاران حقوقی برشمرده شده است.^{۱۸}

گذشته از موارد فوق، قواعد سازمان‌های داوری، به برخی ضوابط حاکم بر این موضوع توجه کرده است. به‌عنوان نمونه، «اتاق بازرگانی بین‌المللی»^{۱۹} در گزارش سال ۲۰۱۷ خود راجع به «برگزاری داوری مطابق قواعد داوری آی.سی.سی»، وظایف دستیاران حقوقی را به شرح زیر بیان کرده است: انتقال مدارک و مکاتبات از طرف دیوان داوری، تنظیم و حفظ پرونده دیوان و طبقه‌بندی مستندات پرونده، تنظیم و هماهنگی جلسات دیوان، شرکت در جلسات استماع، جلسات دیوان و جلسات شور، یادداشت‌برداری، تهیه صورت‌جلسات و مدیریت زمان، انجام پژوهش‌های حقوقی و سایر فعالیت‌های مشابه، راستی‌آزمایی و تطبیق ارجاعات، تاریخ‌ها و ارجاعات درون‌متنی در دستورهای شکلی و رأی داوری، اصلاح اغلاط تایپی، دستور زبانی و محاسباتی.^{۲۰} «مرکز داوری بین‌المللی هنگ‌کنگ»^{۲۱} نیز در اصول راهنمای خود راجع به استفاده از دستیاران حقوقی در دیوان‌های داوری که در ژوئن ۲۰۱۴ منتشر شده، وظایف مشابهی را برای دستیاران حقوقی برشمرده است.^{۲۲} همچنین «مؤسسه خدمات قضایی داوری و میانجیگری»^{۲۳} در سندی با عنوان «اصول راهنمای استفاده از منشی و دستیار دیوان در داوری» اگرچه به‌طور موردی به بیان وظایف دستیاران حقوقی پرداخته، به نحو سلبی مقرر داشته که دستیار قضایی هرگز نباید به نمایندگی از

15. Young ICCA Guide on Arbitral Secretaries, International Council for Commercial Arbitration, 2014, The ICCA Reports No. 1, p. 11.

16. United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL)

17. UNCITRAL Notes on Organizing Arbitral Proceedings, United Nations Commission on International Trade Law, 2016, p. 9, para. 36.

18. *Ibid.*, para. 36.

19. International Chamber of Commerce (ICC)

20. Note to Parties and Arbitral Tribunals on the Conduct of the Arbitration Under the ICC Rules of Arbitration, International Chamber of Commerce, 2017, pp. 20, 21, para. 144.

21. Hong Kong International Arbitration Centre (HKIAC)

22. Guidelines on the Use of Secretary to the Arbitral Tribunal, Hong Kong International Arbitration Centre, 2014, p. 3, para. 3.3.

23. Judicial Arbitration and Mediation Services (JAMS)

داوران یا دیوان داوری در جلسات شور شرکت یا در تصمیم‌گیری دخالت کند.^{۲۴} به همین ترتیب، «مؤسسه داوری اتاق بازرگانی فنلاند»^{۲۵} در سال ۲۰۱۳ اصول راهنمایی را در خصوص استفاده از دستیاران حقوقی در داوری منتشر کرده که در سند مذکور ابتدائاً وظایف دستیار را صرفاً به وظایف اداری و شکلی محدود کرده و مصادیقی از جمله انتقال اسناد و مکاتبات دیوان داوری به طرفین دعوا، هماهنگی جلسات و تهیه صورت‌جلسات، ضبط و پیاده‌سازی شهادت شهود را به‌عنوان نمونه ذکر کرده است.^{۲۶} و سپس بر سیل استثنا و مشروط به نظارت دقیق دیوان داوری، دستیار حقوقی را مجاز دانسته تا برخی وظایف ماهوی را، از جمله تطبیق ارجاعات درون و برون‌متنی، مرور تاریخ‌ها و سایر ارقام، تهیه پیش‌نویس دستورهای شکلی و بخش‌هایی از رأی، تصحیح اغلاط ویرایشی، تایپی و محاسباتی، جمع‌آوری رویه‌قضایی، منابع حقوقی، تلخیص لوایح طرفین و تهیه منابع حقوقی و رویه‌قضایی مرتبط را به عهده گیرد.^{۲۷} در نهایت، «مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید)»^{۲۸} به‌صراحت نصب دستیار حقوقی را برای دیوان‌های داوری تحت اداره مرکز پیش‌بینی کرده است. در «قواعد مالی و اداری»/ایکسید مقرر شده است که دستیار دیوان باید صورت‌جلسات و خلاصه آن‌ها را تهیه کند و سایر امور مرتبط با رسیدگی داوری را تحت نظارت رئیس دیوان داوری یا دبیرکل مرکز بر عهده داشته باشد.^{۲۹}

با وجود این، قواعد داوری برخی از سازمان‌های داوری نیز در خصوص ضوابط نصب و وظایف دستیاران حقوقی در روند داوری ساکت است. به‌عنوان نمونه، در قواعد داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران به جواز یا ممنوعیت استفاده داوران از خدمات دستیاران حقوقی هیچ اشاره صریحی نشده است و تنها در بخشی از ماده ۲۵ قواعد مذکور مقرر شده است «در صورتی که داور ... در انجام وظیفه قصور کند ... هریک از طرفین می‌تواند مراتب را همراه با ادله و مدارک مثبت، هم‌زمان به دبیرخانه مرکز داوری، داور مربوط، سایر داوران ... و طرف‌های دیگر دعوا اعلام و درخواست تعویض او را بنماید».^{۳۰} به‌عنوان نمونه دیگر می‌توان به قواعد داوری دیوان دعوی ایران- ایالات متحده آمریکا اشاره کرد که بدون پیش‌بینی قواعد استفاده از دستیاران حقوقی، صرفاً قصور داور در انجام وظایفش را از جهات جرح داور برشمرده است.^{۳۱} به همین ترتیب، در قوانین ملی نیز جز در چند مورد، چندان به مسئله استفاده از دستیاران

24. Guidelines for Use of Clerks and Tribunal Secretaries in Arbitrations, JAMS International, para. 3.

25. Arbitration Institute of Finland Chambre of Commerce (FCC Institute)

26. Note on the Use of Secretary (Proceedings conducted under the FAI Arbitration Rules and FAI Expedited Arbitration Rules), The Arbitration Institute of Finland Chamber of Commerce, 2013, para. 3.3.

27. FAI Note on the Use of Secretary, para. 3.3.

28. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

29. ICSID Financial and Administrative Regulations, 2013, Article 25(c) and (d).

۳۰. قواعد و آیین داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران (۵/۶/۱۳۸۶)، ماده ۲۵.

31. Tribunal Rules of Procedure, Iran-United States Claims Tribunal, May 3, 1983, Art. 13(2).

حقوقى پرداخته نشده است.^{۳۲} ماده ۱۰۳۵ قانون آيين دادرسى مدنى آلمان به طور ضمنى به اين مسئله توجه و مقرر کرده است که در صورت استفاده از دستيار در داورى، دستيار نيز مشمول همان مقررات ناظر بر محرمانگى، استقلال و بى طرفى داوران است.^{۳۳} به همين ترتيب، بند ۱ ماده ۱۸۴ قانون حقوق بين الملل خصوصى سوئيس مقرر مى دارد که ديوان داورى بايد بررسى ادله را شخصاً انجام دهد و تنها در صورتى که وظائف تصميم گيرى، صدور دستورها و صدور رأى داورى را شخصاً بر عهده داشته باشد، وظيفه خود را انجام داده است.^{۳۴} در قانون داورى انگليس (مصوب ۱۹۹۶) نيز صرفاً به اين مسئله تصريح شده است که وظيفه داورى قائم به شخص است و با مرگ داور ساقط مى شود.^{۳۵}

قوانين ايران در خصوص امکان يا عدم امکان استفاده از دستياران حقوقى ساکت است و در هيچ يک از مواد قانونى به صراحت از قائم به شخص بودن وظيفه داورى سخن نرفته است. به نظر مى رسد اين عدم تصريح به جهت بدهت موضوع و اتکاي آن به اصول حقوقى است. البته شايد بتوان تنها برخى از مواد قانونى را به طور غير مستقيم ناظر بر اين موضوع دانست. از جمله ماده ۴۷۳ قانون آيين دادرسى دادگاه هاى عمومى و انقلاب در امور مدنى، مصوب ۱۳۷۹ به عنوان قانون حاکم بر داورى هاى داخلى که مقرر مى دارد:

«چنانچه داور پس از قبول داورى بدون عذر موجه از قبيل مسافرت، بيمارى و امثال آن، در جلسات داورى حاضر نشود يا استعفا دهد و يا از دادن رأى امتناع نمايد، علاوه بر جبران خسارت وارده، تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داورى محروم خواهد شد.»

شايد برخى مدعى شوند که عبارت «و امثال آن» در ابتدای ماده مذکور مى تواند مواردى از جمله تفويض برخى وظائف داورى به دستياران حقوقى بدون توجيه حقوقى مناسب را شامل شود؛ اما بايد توجه داشت که اولاً، به قرينه کلمات «مسافرت» و «بیماری» در متن ماده مذکور مى توان استنباط کرد که عبارت «امثال آن» دربردارنده مصاديقى است که مشابه مسافرت يا بيمارى باشند، مانند اينکه داور به دليل مشکلات شخصى يا خانوادگى و... در جلسات داورى شرکت نکند. ثانياً، حکم اين ماده صرفاً ناظر بر عدم شرکت داور در جلسات داورى و عدم صدور رأى از سوى داور است و موارد ديگر را شامل نمى شود. اين در حالى است که در موضوع نوشتار حاضر ممکن است داور به طور کامل و شخصاً در جلسات داورى حضور پيدا کند و در صدور رأى داورى نيز مشارکت داشته باشد، اما به جهت واگذاري برخى از امور پرونده به دستيار خود، به تفويض اختيارات داورى

32. Gary Born, *International Commercial Arbitration*, Wolters Kluwer Law, 2014, p. 2044.

33. Code of Civil Procedure as Promulgated on 5 December 2005 (Bundesgesetzblatt (BGBl., Federal Law Gazette) I page 3202; 2006 I page 431; 2007 I page 1781), last amended by Article 1 of the Act dated 10 October 2013 (Federal Law Gazette I page 3786), Article 1035.

34. Switzerland's Federal Statute on Private International Law, 1987, Article 184(1).

35. Arbitration Act 1996, England, Wales and Northern Ireland, s. 26(1).

به شخص ثالث متهم شود و این امر مبنای جرح داور یا درخواست ابطال رأی داوری قرار گیرد. ثالثاً، متن ماده ۴۷۳ صرفاً به فعل منفی داور اختصاص دارد (یعنی عدم شرکت در جلسات داوری یا عدم صدور رأی) لکن در خصوص فعل مثبت داور یعنی استفاده از دستیار و واگذاری برخی امور داوری به ایشان حکمی نمی‌دهد.

در قانون داوری تجاری بین‌المللی، مصوب ۱۳۷۶ که در داوری‌های بین‌المللی اجرا می‌شود نیز شاید تنها بتوان از مفهوم ماده ۳۶۱۴ نتیجه گرفت که چنانچه داور وظایف خود را شخصاً انجام ندهد، مأموریتش خاتمه می‌یابد. با این حال، همچنان به نظر نمی‌رسد این ماده نیز منطبق بر موارد مورد نظر در این نوشتار باشد، چرا که اولاً، سیاق عبارات ماده به روشنی ناظر بر مواردی است که داور به دلایل قانونی یا غیر آن از انجام امور داوری «ناتوان» می‌شود و لذا مواردی را که داور در عین توانایی در انجام وظایف خود به شخص دیگری واگذار می‌کند شامل نمی‌شود. در پیش‌نویس قانون جامع داوری ایران که مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران تهیه کرده است نیز به قائم‌به‌شخص بودن امر داوری و ممنوعیت واگذاری وظایف داوری به شخص ثالث (از جمله دستیاران) اشاره‌ای نشده است. البته عنوان فصل سوم این پیش‌نویس (مواد ۲۴ تا ۳۰) «عزل و جرح داور و قصور داور در انجام وظایف» انتخاب شده است که به نظر نگارندگان می‌توانست محمل مناسبی برای پرداختن به موضوع قائم‌به‌شخص بودن وظایف داوری باشد و واگذاری غیرموجه امور داوری به دستیاران را از مصادیق «قصور در انجام وظایف داوری» قلمداد کند. با این حال، در متن مواد ۲۴ تا ۳۰ پیش‌نویس مذکور، به موضوع «قصور داور در انجام وظایف» اشاره‌ای نشده و تنها مسائل مربوط به جرح داور مبتنی بر همان موارد رایج جرح که در قوانین پیشین نیز وجود داشت مقرر شده است.

به هر ترتیب، همان طور که ملاحظه می‌شود، مطابق قواعد مؤسسات داوری، رویه داوران و نظرات وکلا و حقوق‌دانان، در حال حاضر در داوری‌های مختلف سازمانی و موردی، دستیاران حقوقی حسب مورد، طیف وسیعی از امور شکلی و ماهوی، از هماهنگی زمان و مکان جلسات داوری گرفته تا انجام پژوهش‌های حقوقی و تهیه پیش‌نویس رأی داوری را به عهده می‌گیرند. در واقع، همین وسعت حوزه وظایف دستیاران حقوقی است که در سال‌های اخیر بحث‌های مختلفی را در خصوص مشروعیت استفاده از دستیاران حقوقی یا مغایرت برخی مصادیق تفویض اختیارات داوران به دستیاران با اصول و قواعد داوری بین‌المللی مطرح کرده است و حقوق‌دانان درباره رویه مذکور نظراتی ابراز داشته‌اند که در سطور آتی به‌طور مفصل به تشریح و تحلیل آن پرداخته خواهد شد.

۳۶. ماده ۱۴: اگر یک داور به‌موجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد، و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تأخیر موجه نشود، مسئولیت وی خاتمه می‌یابد ...».

۲. معيار قضاوت

قائم به شخص بودن وظيفه داورى و منافع استفاده از دستياران حقوقى، به ويژه در پرونده هاى پيچيده و بزرگ، از طرف ديگر، لزوم تعيين معيارى جهت تشخيص نقض اين وصف اساسى داورى را روشن مى کند. به ديگر سخن، چه زمانى و تحت چه شرايطى به کارگيرى دستياران قضايى به معنای انحراف از رعايت وصف قائم به شخص بودن امر داورى است؟ آيا صرف انجام امور کاملاً ادارى و شکلى مى تواند ناقض وصف مذکور باشد؟ به عنوان نمونه، آيا اعمالى مانند تنظيم زمان و مکان جلسات داورى يا انتقال مکاتبات ديوان به طرفين دعوا در مقايسه با امور ديگرى مانند تهيه پيش نويس رأى داورى يا شرکت در جلسات شور، از اهميت و آثار يکسانى بر صحت و مشروعيت روند داورى بر جاى مى گذارند؟

برخى حقوق دانان با استناد به قائم به شخص بودن امر داورى، هرگونه تفويض وظيف و مسئوليت هاى داور به شخص ثالث، مانند دستيار حقوقى را مغاير با وصف مذکور مى دانند و لذا معتقدند داور در صورتى که سمت داورى خود را بپذيرد موظف است تمامى وظيف و مسئوليت هاى محوله را شخصاً انجام دهد،^{۳۷} و طبيعتاً هرگونه واگذارى امور مربوط به رسيدگى داورى را به شخص ثالث مردود مى دانند. در مقابل، همان طور که در سطور آتى بيان خواهد شد، برخى ديگر از حقوق دانان حتى واگذارى امور مهم به دستياران، مانند نگارش بخش هاى از رأى داورى را به معنای «تفويض اختيار داورى» نمى دانند.

بررسى قواعد سازمان هاى داورى به اين نتيجه رهنمون مى سازد که تشخيص وقوع تفويض وظيف قراردادى ظاهراً به سادگى امکان پذير نيست و ميان اعمال مختلفى که مى توانند ناقض قائم به شخص بودن امر داورى قلمداد شوند و ساير اعمالى که به وصف مذکور خدشه اى وارد نمى کنند، مرز دقيقى ترسيم نشده است. به عنوان نمونه، در مقررات اتاق بازرگانى بين المللى از اين عبارات استفاده شده است که «تحت هيچ شرايطى ديوان داورى نبايد وظيفه تصميم گيرى را به دستيار ديوان واگذار کند. همچنين ديوان داورى نبايد در خصوص انجام وظيف اساسى داور، به دستيار حقوقى اتکا کند».^{۳۸} در قواعد داورى اتاق بازرگانى فنلاند نيز مقرر شده است که «داور تحت هيچ شرايطى نبايد وظيف اساسى داور را به دستيار واگذار کند».^{۳۹} در قواعد مؤسسه خدمات قضايى داورى و ميانجى گرى نيز صرفاً به اين مسئله تصريح شده است که «دستيار به هيچ وجه نمى تواند در جلسات شور يا تصميم گيرى ديوان داورى شرکت کند».^{۴۰} در گزارش راهنماى شوراي تجارى

37. Berger, *op.cit.*, p. 255.

38. ICC Note to Parties and Arbitral Tribunals on the Conduct of the Arbitration Under the ICC Rules of Arbitration, pp. 20, 21, para. 145.

39. FAI Note on the Use of Secretary, para. 3.1.

40. JAMS Guidelines for Use of Clerks and Tribunal Secretaries in Arbitrations, para. 3.

داوری بین‌المللی نیز پیش‌بینی شده است که «داور نباید هریک از بخش‌های وظیفه دآوری خود را به اشخاص دیگر، از جمله دستیار واگذار کند».^{۴۱}

تدبیر در چند نمونه پیش‌گفته نشان می‌دهد که ظاهراً قواعد مذکور و نظرات حقوق‌دانان، معیارهای مختلفی را برای تشخیص تخطی از وصف قائم‌به‌شخص بودن وظیفه دآوری در نظر می‌گیرند که دامنه آن از صرف «تأثیرگذاری بر داور یا دیوان دآوری» تا «انجام تصمیم‌گیری یا مداخله در تصمیم‌گیری داور» را شامل می‌شود.

حقوق‌دانان مخالف واگذاری امور به دستیاران حقوقی معتقدند که داور با واگذاری مسئولیت‌ها به دستیار خود به‌ناچار خود را در معرض «تأثیرگذاری» او قرار می‌دهد، به‌ویژه در مواردی که امور محوله به دستیار در زمره امور ماهوی پرونده جای می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، کنستانتین پارتاسیدس نظر خود را در این خصوص به این شکل بیان می‌کند: «با داخل کردن دستیار در روند دآوری، داور به‌ناچار نتیجه دعوا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر پژوهش حقوقی و هر تلخیص استدلال و مستندات، لزوماً بر مبنای تشخیص دستیار انجام می‌شود و در نتیجه به‌طور نامناسبی تشخیص و ارزیابی تصمیم‌گیران اصلی را متأثر می‌سازد».^{۴۲} در مقابل، گروه دیگری معتقدند مادامی که واگذاری امور به دستیار حقوقی، وظیفه «تصمیم‌گیری» داور را متأثر نکند، مغایرتی با قائم‌به‌شخص بودن دآوری ندارد.^{۴۳} در این خصوص، دیوان عالی سوئیس در رأیی به تاریخ ۲۱ مه ۲۰۱۵ در خصوص دعوای ابطال یک رأی دآوری بین‌المللی بر این عقیده بود که اصولاً داوران می‌توانند از کمک دستیاران و مشاوران بهره‌برند مادامی که وظایف اصلی تصمیم‌گیری^{۴۴} را به ایشان تفویض نکنند.^{۴۵} بررسی تفصیلی این رأی در ادامه خواهد آمد.

بنابر مراتب فوق، پرسش اصلی این است که آیا مصادیق وظایف محوله به دستیار حقوقی به مثابه «تفویض وظیفه تصمیم‌گیری» به او قلمداد می‌شود یا خیر؟ برای یافتن پاسخ پرسش یادشده لازم است وظایف مختلف و متنوعی که معمولاً به دستیاران حقوقی محول می‌شود، بررسی و مشخص شود که به‌واقع آیا وظیفه مذکور، مصداقی از «وظایف اصلی تصمیم‌گیری» محسوب می‌شود؟ این مسئله موضوع قسمت بعدی این نوشتار است.

41. Young ICCA Guide on Arbitral Secretaries, p. 5, Article 1(4).

42. Constantine Partasides, "The Forth Arbitrator? The Role of Secretaries to Tribunals in International Arbitration", *Arbitration International*, vol. 18, no. 147, 2002, p. 157.

43. Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 222.

44. Core decision-making functions

45. James, Menz; Anya, George, "How Much Assistance is Permissible: A Note on the Swiss Supreme Court's Decision on Arbitral Secretaries and Consultants", *Journal of International Arbitration*, vol. 33, 2016, p. 311.

۳. بررسی مصادیق معارض با قائم به شخص بودن امر داوری

با توجه به آنچه در دو گفتار پیشین گذشت، در این گفتار به منظور بررسی دقیق موضوع و یافتن پاسخ پرسش اصلی پژوهش حاضر لازم است ابعاد مختلف به کارگیری دستیاران حقوقی در داوری مطالعه شود. با توجه به اینکه برخی حقوق دانان اساساً نصب دستیار حقوقی را مغایر با قائم به شخص بودن امر داوری می‌دانند،^{۴۶} نخستین پرسش این است که آیا اساساً داور یا دیوان داوری اختیار «نصب» دستیار حقوقی را دارد؟ در مرحله بعد، این پرسش مطرح می‌شود که بر فرض جواز نصب دستیار حقوقی از سوی دیوان، آیا هریک از وظایف مختلفی که به دستیاران واگذار می‌شود با وصف قائم به شخص بودن وظیفه داوری مغایر است؟ در ادامه پرسش‌های مذکور بررسی خواهد شد.

۳-۱. اختیار نصب دستیار حقوقی

به نظر می‌رسد تأمل در نتایج منطقی قائم به شخص بودن داوری به این نظر منتهی شود که نصب دستیار حقوقی بی‌تردید باید با اطلاع و رضایت طرفین انجام پذیرد. البته چه بسا در مواردی که وظایف کاملاً اداری و بعضاً کم‌اهمیت به دستیاران سپرده می‌شود (مانند تنظیم زمان جلسات و انتقال مکاتبات)، این ادعا مطرح شود که اخذ رضایت قبلی طرفین در خصوص نصب دستیار ضرورتی ندارد. با این حال، با توجه به ضرورت تأمین و تضمین استقلال و بی‌طرفی دیوان داوری نسبت به طرفین، حتی سپردن اعمال مذکور به دستیار جانب‌دار ممکن است استقلال و بی‌طرفی دیوان داوری را مخدوش کند و لذا حتی در موارد مذکور نیز نصب دستیار، منوط به اخذ رضایت پیشین طرفین دعوا خواهد بود.

قواعد سازمان‌های داوری غالباً تنها در صورت رضایت طرفین دعوا، به دیوان‌های داوری اجازه داده‌اند در راستای رسیدگی داوری کارآمد، از دستیاران حقوقی استفاده کنند. به عنوان نمونه، مطابق قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، در صورتی که دیوان داوری قصد داشته باشد از خدمات دستیاران حقوقی استفاده کند، باید رزومه دستیار مورد نظر را به همراه اعلامیه استقلال و بی‌طرفی او و تعهدنامه‌ای مبنی بر رعایت قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی از سوی دستیار برای طرفین دعوا ارسال کند.^{۴۷} به همین ترتیب، مطابق قواعد «دادگاه داوری بین‌المللی لندن»،^{۴۸} نصب دستیار باید با رضایت طرفین صورت گیرد و مشمول همان قواعد تعارض منافی است که در خصوص

46. Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 222.

47. ICC Note to Parties and Arbitral Tribunals on the Conduct of the Arbitration under the ICC Rules of Arbitration, p. 20, para. 141.

48. London Court of International Arbitration (LCIA)

داوران وجود دارد.^{۴۹} قواعد «انجمن آمریکایی داوری» نیز مقرر داشته است که داور تنها در صورتی که ابتدائاً تصمیم خود مبنی بر نصب داور را به طرفین دعوا اطلاع دهد و دستیار نیز تعهدی مبنی بر رعایت قواعد داوری سازمان امضا کند، مجاز به استفاده از دستیار داوری خواهد بود.^{۵۰} به همین ترتیب، قواعد سایر سازمان‌های داوری و برخی قوانین ملی نیز اخذ رضایت پیشینی طرفین دعوا جهت نصب دستیاران حقوقی را ضروری می‌دانند.^{۵۱}

همچنین رویه دیوان‌های داوری نیز نشان می‌دهد که داوران در غالب موارد، پیش از به‌کارگیری دستیاران حقوقی، این موضوع را به طرفین دعوا اطلاع می‌دهند.^{۵۲} به‌عنوان نمونه، در دعوی شرکت یوکاس علیه روسیه، سرداور دیوان داوری با عباراتی صریح به طرفین دعوا اطلاع داد که از خدمات دستیار حقوقی بهره خواهد برد.^{۵۳} همچنین در دعوی شرکت بین‌المللی نفت کاراتیبوب علیه قزاقستان نیز دیوان داوری، نصب دستیار دیوان را به اطلاع طرفین دعوا رساند.^{۵۴}

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت وظایف دستیاران حقوقی، به‌ویژه با توجه به اینکه در مواردی امور ماهوی رسیدگی داوری به دستیاران تفویض می‌شود و با عنایت به اینکه جانبداری یا عدم استقلال دستیار حقوقی نیز می‌تواند تأثیر ناروایی بر عملکرد دیوان و روند تصمیم‌گیری داوران داشته و متعاقباً بی‌طرفی داوران را متأثر کند، نصب و بهره‌گیری از ایشان باید با اطلاع و رضایت طرفین دعوا صورت گیرد. چنین وضعیتی این امکان را برای طرفین دعوا فراهم می‌کند تا در صورت وجود تعارض منافع یا اوصاف و وضعیت‌هایی که استقلال و بی‌طرفی دستیار حقوقی را مخدوش می‌کند و در نتیجه منافع یکی از طرفین را به مخاطره می‌اندازد، از طریق اعلام مخالفت خود، دیوان داوری را ملزم کنند شخصی را به‌عنوان دستیار حقوقی به کار گیرد که فاقد اوصاف و شرایط مذکور باشد. وانگهی در صورتی که طرفین از تصمیم دیوان داوری نسبت به استفاده از دستیار حقوقی اطلاع داشته باشند می‌توانند حسب مورد و با توجه به ویژگی‌ها و شرایط خاص هر دعوا، حدود اختیارات دستیار دیوان را محدود یا داوران را ملزم کنند از تفویض برخی امور ماهوی اساسی، مانند نگارش رأی داوری، به دستیار حقوقی اجتناب کنند.

49. See: Note for Arbitrators, London Court of International Arbitration, 2017, paras. 74-78.

50. The Code of Ethics for Arbitrators in Commercial Disputes, American Arbitration Association, 2004, Canon VI(B).

51. See: e.g. JAMS Guidelines for Use of Clerks and Tribunal Secretaries in Arbitrations, para. 1; Hong Kong Administered Arbitration Rules, Hong Kong International Arbitration Centre (HKIAC), 2013, Article 13.4; English Arbitration Act, 1996, Section 37.

52. Menz and Anya, *op.cit.*, p. 312.

53. Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 214.

54. *Caratube International Oil Company LLP v. Republic of Kazakhstan*, ICSID, Case No. ARB/08/12, Award, 5 June, 2012.

۲-۳. بررسی هریک از وظایف دستیاران حقوقی

در این قسمت لازم است ابتدا تفکیکی کلی میان وظایف صرفاً شکلی و اداری دستیاران حقوقی با وظایف ماهوی ایشان قائل شد و تأثیر هریک را بر قائم به شخص بودن داوری جداگانه بررسی کرد. بنابراین، در قسمت اول به بررسی وظایف اداری و شکلی دستیاران و در قسمت دوم به بررسی وظایف ماهوی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

الف. وظایف اداری و شکلی

همان طور که در سطور پیشین اشاره شد، وظایف اداری و شکلی دستیاران، با توجه به قواعد سازمان‌های مختلف و رویه داوری، اغلب عبارت است از تعیین زمان و مکان جلسات استماع و جلسات دیوان داوری، انتقال مکاتبات دیوان داوری به طرفین یا سازمان داوری، گردآوری و تنظیم مدارک و مستندات دعوا، یادآوری جلسات و مواعد به داوران و طرفین دعوا، مدیریت زمان جلسات، اصلاح اغلاط تایپی، دستور زبانی و محاسباتی، ضبط و پیاده‌سازی جلسات داوری و شهادت شهود و سایر اعمال مشابه.

مطالعه نظرات حقوق دانان و رویه داوری نشان می‌دهد که اساساً ماهیت اعمال اداری و شکلی به نحوی است که نه تنها مغایرتی با قائم به شخص بودن وظیفه داوری ندارد، بلکه واگذاری این امور به دستیاران، بر سرعت، کیفیت و کارآمدی رسیدگی داوری نیز می‌افزاید.^{۵۵} دیوان‌های داوری نیز در دعاوی مختلف جهت انجام امور اداری از دستیاران حقوقی استفاده کرده‌اند.^{۵۶}

تنها دغدغه در به کارگیری دستیاران جهت انجام امور اداری و شکلی از باب حفظ محرمانگی پرونده از یک طرف و استقلال و بی‌طرفی دیوان داوری از طرف دیگر است. توضیح آنکه اگرچه ماهیت اختیارات دستیار صرفاً اداری است، غالباً اطلاعات پرونده و طرفین دعوا ناگزیر در اختیار دستیار قرار می‌گیرد یا او به سبب حضور در جلسات استماع یا جلسات دیوان داوری از اطلاعات مذکور مطلع می‌شود. در نتیجه، معقول و موجه است که طرفین دعوا نگرانی‌هایی در خصوص امکان افشای اطلاعات داشته باشند. به همین دلیل، همان طور که بیان شد، تقریباً تمامی قواعد داوری سازمان‌های داوری، دیوان داوری را مکلف کرده‌اند در صورت نصب دستیار حقوقی، ضمن

55. Berger, *op.cit.*, p. 256.

56. به عنوان نمونه، ن.ک:

Caratube International Oil Company LLP v. Republic of Kazakhstan, ICSID Case No. ARB/08/12, Award, 5 June, 2012; *Glamis Gold, Ltd. v. United States*, Award Before the Arbitral Tribunal Constituted under Chapter 11 of the North American Free Trade Agreement, 8 June, 2009; *Duke Energy International Peru Investments No. 1, Ltd. v. Republic of Peru*, ICSID Case No. ARB/03/28, Decision on Jurisdiction, 1 February, 2006; *The Rompetrol Group N.V. v. The Republic of Romania*, ICSID Case No. ARB/06/3, Decision on Respondent's Preliminary Objections on Jurisdiction and Admissibility, 18 April, 2008; *Compañía de Aguas del Aconquija S.A., Vivendi Universal v. Republic of Argentina*, ICSID Case No. ARB/97/3, Award, 20 August 2007.

اطلاع به طرفین دعوا، تعهد کتبی مقتضی را مبنی بر حفظ محرمانگی اطلاعات پرونده و عدم افشای آن به اشخاص ثالث از او اخذ کنند یا به‌طور کلی دستیاران حقوقی را به‌طور یکسان متعهد به همان تعهد محرمانگی داوران به‌موجب قواعد سازمان بنمایند.^{۵۷}

از سوی دیگر، در صورتی که دستیار دیوان داوری به دلیلی فاقد شرایط استقلال یا بی‌طرفی باشد، حتی انجام امور ساده اداری توسط او نیز ممکن است استقلال و بی‌طرفی دیوان داوری را مخدوش یا حداقل با تردید مواجه کند. اموری مانند مدیریت زمان جلسات استماع و انتقال مکاتبات دیوان به طرفین از الزامات رسیدگی منظم و عادلانه^{۵۸} به شمار می‌آید و انجام جانبدارانه این امور بی‌تردید استقلال و بی‌طرفی دیوان داوری را مخدوش می‌کند.^{۵۹} به همین دلیل قواعد داوری در کنار لزوم تعهد دستیار حقوقی به حفظ محرمانگی اطلاعات پرونده، بی‌طرفی و استقلال او را نیز لازم دانسته‌اند.^{۶۰}

بنابراین، چنانچه دستیار حقوقی به حفظ محرمانگی پرونده و اسرار طرفین متعهد و فاقد موانع استقلال و بی‌طرفی باشد، علی‌القاعده ایرادی در خصوص تفویض امور اداری و شکلی داوری به دستیاران وجود ندارد.

ب. امور ماهوی (غیراداری)

در کنار وظایف شکلی و اداری، دستیاران حقوقی وظایف متعددی نیز دارند که به ماهیت دعوا ارتباط پیدا می‌کند. برخی از این وظایف عبارت‌اند از پژوهش در خصوص موضوعات حقوقی مطرح در دعوا و گردآوری رویه‌قضایی مرتبط، تهیه پیش‌نویس دستورهای اجرایی یا رأی نهایی دیوان، شرکت در جلسات شور دیوان داوری.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وظایف یادشده به‌طور مستقیم به ماهیت اختلاف ارتباط پیدا می‌کند و به همین دلیل بیشترین حساسیت در خصوص تفویض این امور به دستیاران حقوقی وجود دارد. پیش از بررسی وظایف پیش‌گفته، یادآوری می‌شود که فرض نوشتار حاضر در این بند به موردی اختصاص دارد که دستیار حقوقی به نحو مناسب و با اطلاع طرفین نصب شده است ولی بدون اطلاع طرفین از سوی دیوان داوری به انجام امور ماهوی پرونده، از جمله نگارش رأی داوری و شرکت در جلسات شور مأمور شده است. بنابراین در فرضی که پس از نصب دستیار حقوقی،

57. Young ICCA Guide on Arbitral Secretaries, p. 8, Article 2(8); HKIAC Guidelines on the Use of Secretary to the Arbitral Tribunal, p. 4, para. 3.7; FAI Note on the Use of Secretary, para. 3.5; Note on the Appointment of Administrative Secretaries, Singapore International Arbitration Centre (SIAC), 2015, para. 4.

58. Due process

59. Romano, Cesare et. al., *The Oxford Handbook of Adjudication*, Oxford University Press, 2013, p. 718.

60. Young ICCA Guide on Arbitral Secretaries, p. 7, Article 2(3); HKIAC Guidelines on the Use of Secretary to the Arbitral Tribunal, p. 4, para. 2.2; FAI Note on the Use of Secretary, para. 2.4; SIAC Practice Note on the Appointment of Administrative Secretaries, para. 4.

وظايف او به تفصيل به طرفين دعوا اطلاع رسانى شود و آن ها نيز به طور صريح يا ضمنى اعلام رضايست کنند، اساساً انجام وظايف ماهوى، مغايرتى با قائم به شخص بودن داورى نخواهد داشت و طرفين يا يکى از آن ها نيز نمى توانند در مراحل بعدى رسيدگى نسبت به اين موضوع معترض باشند.

با عنايت به توضيح فوق، اکنون به تبين و تحليل ارتباط تفويض وظايف ماهوى به دستياران حقوقى با قائم به شخص بودن وظيفه داورى پرداخته مى شود. با توجه به اينکه در نگاه نخست به نظر مى رسد وظايف مذکور، به ويژه نگارش رأى داورى و شرکت در جلسات شور، در واقع اصلى ترين وظايف داور يا ديوان داورى است، اذهان بسيارى از حقوق دانان، مانند برنهارد برگر،^{۶۱} کنستانتين پارتاسيدس،^{۶۲} و يان هندريك دالهائيزن،^{۶۳} ابتداً به اين نتيجه گيرى متبادر شد که انجام اين امور از سوى دستياران حقوقى، با قائم به شخص بودن وظيفه داورى مغايرت صريح دارد و لذا داوران تحت هيچ شرايطى (مگر با رضايست صريح طرفين) نمى توانند اين امور را به اشخاص ثالث، از جمله دستياران حقوقى تفويض کنند. با اين حال، گروه ديگرى از حقوق دانان، از جمله پروفيسور لرد وولف^{۶۴} و ديويده کرون^{۶۵} نيز با اين ادعاى بداهت مخالفانند و ميان «تصميم گيرى» که وظيفه اصلى ديوان داورى است، با انجام وظايف مذکور تفکيک قائل مى شوند. با توجه به اهميت و گستردگى اين موضوع، در قسمت بعدى، ابتدا ادله موافقان و مخالفان تفويض وظايف ماهوى به دستياران حقوقى و سپس رويه قضايى موجود در اين خصوص ارائه خواهد شد.

۴. ادله موافق و مخالف تفويض امور ماهوى به دستياران حقوقى

۴-۱. ادله موافقان

استدلال اصلى موافقان تفويض امور ماهوى به دستياران حقوقى، وجود «نظارت و هدايت دقيق» ديوان داورى بر عملکرد دستيار حقوقى است. به عقیده ایشان، مادامی که ديوان داورى بر عملکرد دستيار در انجام پژوهش هاى حقوقى يا نگارش بخش هاى خاصى از رأى داورى نظارت كافي و دقيق دارد، انجام اين امور توسط دستيار ايرادى نخواهد داشت.^{۶۶} اين گروه از نويسندگان،^{۶۷} عموماً به گزارش سال ۲۰۱۴ شوراى بين المللى داورى تجارى اشاره مى کنند که در ماده ۳ به صراحت

61. Bernhard Berger

62. Partasides

63. Dalhousien

64. Lord Woolf

65. David D. Caron

66. Mauro Rubino-Sammartano, *International Arbitration: Law and Practice*, 2nd edn., Kluwer Law International, 2001, p. 361.

67. Menz and Anya, *op.cit.*, p. 319; Manuel Arroyo, *Arbitration in Switzerland: The Practitioner's Guide*, 2013, Kluwer Law International, p. 670.

مقرر داشته است:

«(۱) تحت هدایت و نظارت مناسب دیوان داوری، نقش دستیار داوری می‌تواند از صرف امور اداری فراتر رود.

(۲) بر این اساس، وظایف دستیار دیوان می‌تواند تمام یا برخی از موارد زیر را شامل شود:
 ... (ه) پژوهش موضوعات حقوقی ... (ز) پیش‌نویس دستورهای شکلی و سایر اسناد مشابه
 ... (ط) شرکت در جلسات شور(ی) پیش‌نویس بخش‌هایی از رأی».^{۶۸}

بر همین اساس، برخی حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که وظیفه اصلی داور یا دیوان داوری که غیرقابل تفویض به اشخاص ثالث است، همان وظیفه «تصمیم‌گیری در خصوص اختلاف مرجوعه» است. بنابراین، مادامی که رأی صادره، دربردارنده تصمیمات دیوان داوری در جلسات شور است، این مسئله که چه کسی رأی را نوشته یا تحقیقات آن را انجام داده است، دیگر اهمیتی نخواهد داشت.^{۶۹} در واقع، این گروه از نویسندگان، مأموریت اصلی داور یا دیوان داوری را صرفاً «تصمیم‌گیری»^{۷۰} می‌دانند و برای سایر اعمال، مانند نگارش رأی داوری، جنبه فرعی قائل هستند. به همین دلیل معتقدند مسئله اساسی آن است که تصمیم‌گیری در خصوص اختلاف توسط شخص داوران انجام شود، ولی نگارش رأی، تحقیقات حقوقی و... جنبه فرعی دارند و لذا ممکن است تحت نظارت دقیق و کافی داور یا دیوان داوری به دستیاران حقوقی تفویض شوند. همان طور که دستیار حقوقی سابق دیوان بین‌المللی دادگستری، هیو ثیرلوی^{۷۱} بیان داشته است: «مسئله اصلی [در خصوص امکان تفویض نگارش رأی به دستیاران]، تفکیک مرز میان تصمیم‌گیری در خصوص موضوعات پرونده و اظهار تصمیم مذکور در قالب بهترین کلمات و عبارات ممکن است. وظیفه نخست منحصرأ بر عهده قضاوت است ولی وظیفه دوم بی‌تردید می‌تواند با کمک دستیاران انجام شود».^{۷۲}

در تأیید استدلال یادشده، این گروه از حقوق‌دانان به عملکرد مشابه قضاوت در دادگاه‌های ملی استناد می‌کنند؛ بدین جهت که بی‌تردید وظیفه قضاوت نیز واجد همان ویژگی «قائم‌به‌شخص» در مورد داوران است و از این حیث تفاوتی میان داوران و قضاوت وجود ندارد.

بنابر ادعای ایشان، در دادگاه‌های ملی بسیاری از کشورها، از جمله دیوان عالی ایالات متحد آمریکا، «دستیاران قضایی»^{۷۳} تحت نظارت قضاوت هر پرونده، اعمال متعدد شکلی و ماهوی را،

68. Young ICCA Guide on Arbitral Secretaries (2014) International Council for Commercial Arbitration, p. 11, Article 3(2)(e), 3(2)(g), 3(2)(i), 3(2)(j)

69. Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 223.

70. Decision-making

71. Hugh Thirlway

72. Cesare, *op.cit.*, p. 720.

73. Law Clerks / Judicial Assistants

از جمله تحقیقات حقوقى لازم، تلخیص و تطبیق مستندات پرونده، شرکت در جلسات دادگاه و جلسات شور و تهیه پیش‌نویس احکام قضایى انجام می‌دهند؛^{۷۴} به حدی که آن‌گونه که قاضى ریچارد پوزنر در کتاب خود به سال ۲۰۰۸ نوشت: «امروزه بسیاری از آرای قضایى را دستياران می‌نویسند؛ وضعیتی که شاید در قرن پیش وجود نداشت».^{۷۵} همچنین در محاکم قضایى دیگر، مانند دیوان دادگستری اروپا،^{۷۶} بسیاری از وظایف ماهوى پرونده، مانند پژوهش‌هاى حقوقى و تهیه پیش‌نویس قرارها یا آرای دیوان را «دستياران»^{۷۷} انجام می‌دهند.^{۷۸}

احاله این امور مهم و ماهوى به دستياران حقوقى، علی‌رغم اینکه شاید از نظر بسیاری از حقوق‌دانان، موجب تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری قضات و به معنای تفویض امر قضاوت به شمار آید، به‌عنوان رویه معمول و بلکه کارآمد در سیستم قضایى کشورهاى مختلف پذیرفته و تثبیت شده است.^{۷۹} در رأی مهمی که در سال ۱۹۸۸ در اعتراض به عملکرد دستياران حقوقى در محاکم ایالات متحد آمریکا صادر شد، این مسئله به‌خوبی تبیین شده است. در بخشی از این رأی آمده است: «فعالیت دستياران حقوقى تحت نظارت قاضى انجام می‌شود و از سوى او تأیید و در نهایت اتخاذ می‌شود. [در نتیجه،] رأی صادره، رأی دستيار حقوقى نیست بلکه رأی همان قاضى است که به دستيار اختیار داده است. [در واقع] دستيار حقوقى ادامه شخصیت همان قاضى‌ای است که تحت نظر او عمل می‌کند».^{۸۰}

به‌علاوه، واگذاری برخی از امور ماهوى به دستياران حقوقى مانند تهیه پیش‌نویس‌ها، تلخیص حقایق پرونده و ادله طرفین، انجام تحقیقات حقوقى و گردآوری رویه‌قضایى مرتبط، این فرصت را برای داور یا قاضى فراهم می‌کند تا وقت خود را صرف تمرکز بر مسائل اصلی پرونده و موضوعات پیچیده و مهم آن کند.^{۸۱}

۲-۴. ادله مخالفان

در پاسخ به ادله موافقان واگذاری امور ماهوى به دستياران حقوقى، حقوق‌دانان ادله متفاوتی اظهار کردند. به عقیده ایشان، اگرچه مسئولیت اصلی داور یا دیوان داورى، «تصمیم‌گیری» در خصوص

74. Partasides, *op.cit.*, p. 153; Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 234.

75. Richard A. Posner, *How Judges Think*, Harvard University Press, 2008, p. 221.

76. European Court of Justice (ECJ)

77. *Referendaires*

78. Sally J. Kenney, "Beyond Principals and Agents: Seeing Courts as Organizations by Comparing Referendaires at the European Court of Justice and Law Clerks at the US Supreme Court", *Comparative Political Studies*, vol. 3, issue 5, June 2000, p. 611.

79. Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 235.

80. *Oliva v. Heller*, United States Circuit Court, Case no. 839 F.2d 37 (2d Cir. 1988), para. 40.

81. Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 235.

اختلاف مطروح است، اعمالی مانند انجام پژوهش‌های حقوقی، مراجعه به رویه قضایی مرتبط و مطالعه آرای قضایی، نگارش رأی داوری و مشارکت در شور، اعمالی است که مجموعاً تصمیم‌گیری داور را شکل می‌دهد و چنانچه این اعمال توسط اشخاص ثالث، از جمله دستیاران حقوقی انجام شود، تصمیم‌گیری دیوان داوری تحت تأثیر یا حتی مدیریت آن اشخاص قرار خواهد گرفت.^{۸۲} به عقیده پروفسور پارتاسیدس، هر پژوهش حقوقی که دستیار حقوقی انجام می‌دهد، هر سندی که او تلخیص می‌کند و رویه‌هایی که از میان انبوه آرای قضایی گردآوری می‌کند، بی‌تردید بر اساس «صلاح‌دید» و «دیدگاه شخصی» دستیار حقوقی صورت می‌گیرد و در نتیجه به نحو نامناسبی تصمیم‌گیری داور یا دیوان داوری را متأثر می‌کند.^{۸۳} در توضیح و تأیید استدلال مذکور باید توجه داشت که این مسئله که در انجام پژوهش‌های حقوقی به چه منابعی رجوع شود، از میان منابع گردآوری شده، کدام‌یک انتخاب و به داور ارائه شود، در یادداشت‌برداری از منابع بر کدام نکات تأکید شود یا چه نکاتی حذف شود، همگی مسائل مهمی است که می‌تواند دیدگاه داور به یک مسئله حقوقی را متأثر کند و به همان میزان تصمیم‌گیری او را در خصوص آن موضوع تحت‌الشعاع قرار دهد.

در خصوص نگارش رأی داوری یا سایر اسناد مشابه نیز همین امر صادق است. نگارش در واقع بازتاب اندیشه‌های یک شخص است و بر همان اساس در قالب کلمات، عبارات و سایر عناصر زبانی در قالب نوشتار درمی‌آید. به همین دلیل، به سادگی قابل آزمون و مشاهده است که دو فرد با اندیشه‌های مشابه، هنگامی که می‌خواهند درباره یک موضوع واحد سخن برانند، از واژگان، عبارات و ساختارهای متفاوتی بهره می‌گیرند و بالتبع میزان اثرگذاری، قدرت اقناعی و به‌طور کلی مفهومی که از نوشته هریک از آن دو استنباط می‌شود متفاوت خواهد بود. به همین دلیل، پارتاسیدس در ادامه استدلال خود به ظرافت بیان داشته است که «عمل نوشتن، آخرین تضمین برای [وجود] «نظارت فکری» است. [بنابراین] داوران نباید از [اعمال] آن صرف‌نظر کنند».^{۸۴} همچنین نیلروی، پس از آنکه وجود مرز باریک میان «تصمیم‌گیری در خصوص موضوعات پرونده» و «ابراز آن تصمیم در قالب کلمات و عبارت» (نگارش رأی) را بیان می‌کند، این نکته مهم را نیز یادآور می‌شود که «در عالم حقوق، کلمات از اهمیت بالایی برخوردارند و شاید بتوان گفت گزینش کلمات برای

82. Michael Polkinghorne, Charles B. Rosenberg, "The Role of the Tribunal Secretary in International Arbitration", *Dispute Resolution International*, vol. 8, issue 2, 2014, p. 126.

83. Jeffrey Waincymer, *Procedure and Evidence in International Arbitration*, Kluwer Law International, 2012, p. 446; Partasides, *op.cit.*, p. 157.

84. Partasides, *op.cit.*, p. 158; See also: Additional Opinion of Professor Dalhuisen in *Campania de Aguas del Aconquija S. A. and Vivendi Universal S.A. v. Republic of Argentina*, ICSID Case no. ARB/97/3 (2010), Decision on the Argentine Republic's Request for Annulment of the Award rendered on 20 August, 2007, para. 23.

بیان مسئله حقوقی، خودش تصمیم ماهوی در خصوص آن مسئله است.^{۸۵} بر این اساس، برخی بر این عقیده‌اند که امور ماهوی مانند انجام پژوهش‌های حقوقی لازم، نگارش رأی داوری و مشارکت فعال در جلسات شور به‌طور ضمنی در توافق طرفین با داور درج شده و از ملزومات امر داوری است.^{۸۶} به بیان برخی دیگر، چنانچه مهارت، توانایی و تخصص دستیار حقوقی در مطالعه منابع، پژوهش و نگارش رأی داوری به‌واقع همانند داور یا داورانی باشد که از سوی طرفین انتخاب شده‌اند، عملاً صرف وقت و دقت فراوان از سوی طرفین جهت انتخاب اشخاصی خاص برای داوری، فایده خود را از دست می‌دهد.^{۸۷} علاوه بر این، حقوق دانان این گروه، مقایسه استفاده از دستیاران قضایی در محاکم ملی را با به‌کارگیری دستیاران حقوقی در داوری‌های بین‌المللی به دلایل مختلف، قیاس مع‌الفارق و فاقد وجهت منطقی می‌دانند چرا که در نظام‌های قضایی ملی علی‌الاصول قضات کنترلی بر تعداد پرونده‌های ارجاعی ندارند و حجم کاری قضات از سوی دستگاه قضایی به ایشان تحمیل می‌شود.^{۸۸} در چنین شرایطی، نظام‌های قضایی با توجه به محدودیت منابع انسانی از یک سو و لزوم حل و فصل دعاوی افراد از سوی دیگر، استفاده از دستیاران قضایی را برای قضات مجاز دانسته‌اند.^{۸۹} این در حالی است که داوران به‌عنوان اشخاص خصوصی، هرگز مجبور به تحمل چنان فشاری نیستند و حجم کاری خود را خودشان تعیین می‌کنند. وانگهی، با پذیرش سمت داوری، داور موظف است زمان کافی، توجه و دقت لازم را جهت تصمیم‌گیری در خصوص اختلاف اختصاص دهد. اگر به‌واقع، حجم کاری داور به حدی سنگین است که نمی‌تواند تصمیم‌گیری در خصوص پرونده را بدون تفویض امور مهم ماهوی به یک یا چند دستیار حقوقی انجام دهد، راه‌حل منطقی آن است که داور از پذیرش سمت مذکور اجتناب کند، نه آنکه ضمن پذیرش مأموریت داوری، امور مهمی را که طرفین انتظار دارند داور شخصاً انجام دهد، به اشخاصی واگذار کند که تخصص و تجربه بسیار کمتری دارند.^{۹۰} به‌علاوه، حتی قضات دادگاه‌ها نیز در واگذاری امور مهمی مانند نگارش احکام قضایی یا تجزیه و تحلیل منابع و رویه قضایی به دستیاران خود، مورد انتقادهای شدیدی قرار گرفته‌اند.^{۹۱}

85. Cesare, *op.cit.*, p. 720.

86. Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 224.

87. David D. Caron, Lee M. Caplan, *The UNCITRAL Arbitration Rules: A Commentary*, 2nd edn., Oxford University Press, 2013, p. 300.

88. Partasides, *op.cit.*, p. 156.

89. Yu and Ahmed, *op.cit.*, p. 235.

90. *Ibid.*, p. 241.

91. Nadine J. Wiehern, "A Court of Clerks, Not of Men", *De Paul Law Review*, vol. 49, 1999, p. 662.

۳-۴. رویه قضایی

استفاده از دستیاران حقوقی اگرچه چندین سال است که در داورهای، به‌ویژه داورهای بین‌المللی رواج دارد و غالباً داورها یا دیوان‌های داور، به‌ویژه در پرونده‌های پیچیده و بزرگ، از دستیاران حقوقی جهت انجام امور مختلف استفاده می‌کنند، دیوان‌های داور یا محاکم قضایی تا کنون فرصت چندانی جهت بررسی مشروعیت استفاده از دستیاران حقوقی و دامنه اعمال محوله به ایشان نداشته‌اند. به دیگر سخن، مواردی که یکی از طرفین نسبت به عملکرد دستیاران حقوقی یا دیوان داور در این خصوص معترض بوده باشد و اعتراض خود را نزد محکمه‌ای اقامه کرده باشد، بسیار اندک است.

با وجود این، طبق استقرای نگارندگان این سطور، در سال‌های اخیر این مسئله در چند مورد در داورهای بین‌المللی و دعاوی ابطال رأی داور نزد دادگاه‌های ملی مطرح و سبب ایجاد رویه‌های ارزشمندی شده است که در ادامه به توضیح و بررسی این پرونده‌ها پرداخته می‌شود.

الف. پرونده ساچری علیه روباتو

موضوع این پرونده، که شاید بتوان گفت قدیمی‌ترین پرونده در این زمینه است، به قرارداد ساخت‌وساز میان طرفین اختلاف مربوط می‌شد. داوران با توجه به اینکه متخصص در صنعت ساختمان بوده و فاقد تخصص حقوقی بودند، انشای رأی داور را به حقوق‌دان واگذار کردند. در واقع، رأی داور توسط حقوق‌دانی نوشته شد که عضوی از دیوان داور نبود. این مسئله مورد اعتراض طرفین قرار گرفت و موضوع در سال ۱۹۸۹ نزد دیوان عالی ایتالیا طرح شد.^{۹۲} دیوان عالی ضمن ابطال رأی داور، در رأی خود اظهار داشت که «دیوان داور با تفویض صلاحیت خود به کارشناس حقوقی، از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است».^{۹۳} دیوان عالی ایتالیا تأکید داشت که واگذار کردن کامل نگارش رأی داور به کارشناس حقوقی، در شرایطی که داوران شخصاً نمی‌توانند خودشان محتوای رأی نوشته‌شده را فهم و به‌طور انتقادی آن را بررسی کنند، به معنای تفویض کامل اختیار نگارش رأی به شخص ثالث است.^{۹۴}

92. Julian D. M. Lew, *et. al.*, *Comparative International Commercial Arbitration*, Kluwer Law International, 2003, p. 235.

93. *Sacheri v. Robotto*, Corte di cassazione, 7 June, 1989, ((1991) XVI YBCA 156) in *Yearbook Commercial Arbitration*, vol. 16, 1991, pp. 156-157.

94. Michael Feit, Chloe Terrapon Chassot, "The Swiss Federal Supreme Court Provides Guidance on the Proper Use of Arbitral Secretaries and Arbitrator Consultants under the Swiss *lex arbitri*", *ASA Bulletin* vol. 4, issue 897, 2015, p. 916.

ب. دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

در دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده، داوران به‌عنوان رویه مرسوم، همواره از کمک دستیاران حقوقی بهره‌مند بودند. با این حال، بهره‌گیری از دستیاران حقوقی در یک مورد، منجر به ایجاد رویه‌ای ارزشمند در این خصوص شد. در سال ۱۹۹۱ نماینده ایران نسبت به عملکرد رئیس شعبه سوم دیوان داوری، آقای آرانجیو روئیتس^{۹۵} اعتراض و به‌طور رسمی تأیید جرح ایشان را از مقام ناصب دیوان درخواست کرد.^{۹۶} ایران در آن قضیه مدعی بود که آقای روئیتس در طول ۱۲ ماه گذشته بیش از ۴۰ روز در محل دیوان حضور نداشته و از مجموع ۴۰ روز مذکور نیز ۱۴ روز را شخصاً در جلسات داوری دیوان حاضر بوده است. بنابراین به عقیده ایران، اساساً امکان ندارد که در فرصت باقی‌مانده، آقای روئیتس توانسته باشد وقت کافی را جهت مطالعه پرونده‌های ارجاعی و بررسی دقیق آن‌ها اختصاص داده باشد و این نشان می‌دهد که ایشان بیش از حد بر کمک دستیار حقوقی خود اتکا دارد.^{۹۷} در واقع ایران مدعی بود که «وظایف قضایی داوری امری نیست که بتواند از طریق ارتباط از راه دور و مطالعه گزینشی اسناد و مدارک پرونده انجام پذیرد. از سوی دیگر، ممکن است نکته‌ای در پرونده، نظر دستیار حقوقی را جلب نکند ولی به نظر داور از اهمیت بالایی برخوردار باشد (یا برعکس). بنابراین در شرایط موجود در واقع جایگاه داور و دستیار عوض شده و این امر خلاف اراده طرفین اختلاف است که داوران را بر اساس شایستگی‌ها و ویژگی‌های شخصی ایشان انتخاب کرده‌اند».^{۹۸}

با وجود این، علی‌رغم استدلال‌های ایران، مقام ناصب، جرح آقای روئیتس را نپذیرفت و بر این عقیده بود که ایشان حتی در زمانی که حضور فیزیکی در محل دیوان (در لاهه) نداشته، وقت کافی را جهت مطالعه پرونده و بررسی اسناد و مدارک مربوط اختصاص داده است و مضاف بر آن، از مطالبی که دستیار حقوقی در اختیارش قرار می‌داده، به نحو مناسب و صحیح بهره برده است.^{۹۹} در واقع، با مصاحبه‌هایی که مقام ناصب با دستیار حقوقی آقای روئیتس و سایر افراد مرتبط انجام می‌دهد، به این نتیجه می‌رسد که اولاً، این ادعای ایران صحت ندارد که آقای روئیتس صرفاً از خلاصه و چکیده اسناد و مدارک پرونده که دستیارش تهیه می‌کرد مطلع شده، بلکه ایشان تمامی اسناد و مدارک را به‌طور کامل در اختیار داشت. ثانیاً، آقای روئیتس در اوقاتی که در خارج از لاهه بود نیز وقت کافی را جهت مطالعه و بررسی پرونده اختصاص داد. ثالثاً، اظهارات سایر همکاران آقای روئیتس (اعضای

95. Gaetano Arangio-Ruiz

96. *Iran-United States Claims Tribunal Reports*, Cambridge, Grotius Publications Ltd, 1992, vol. 27, pp. 291-336.

97. *Ibid.*, p. 293.

98. *Ibid.*, p. 294.

99. *Ibid.*, pp. 328-336.

دیوان داوری) نشان می‌دهد که وی همواره تسلط و دانش کافی را از پرونده داشته است.^{۱۰۰} مجموع این ادله و سایر اماراتی که مقام ناصب در اختیار داشت، او را به این نتیجه رهنمون کرد که نحوه استفاده آقای روئیس از دستیار حقوقی به هیچ وجه به مثابه تفویض اختیار «تصمیم‌گیری» به ایشان نبوده است.

ج. رأی سوناتراک علیه استات‌اوایل

در این پرونده، شرکت الجزایری *سوناتراک* به دنبال ابطال رأی داوری بود که به مبلغ بیش از ۵۳۶ میلیون دلار به نفع شرکت نفتی *استات‌اوایل* نروژ تحت داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی صادر شده بود. به عقیده *سوناتراک*، دیوان داوری به نحو غیرقابل‌قبولی اختیارات داوری را به دستیار دیوان تفویض کرده و به وی اجازه داده در جلسات شور داوران مشارکت داشته باشد.^{۱۰۱} دادگاه لندن در رأی خود ابتدا به این موضوع اشاره می‌کند که با توجه به عدم ارائه ادله از سوی *سوناتراک*، ادعای او در خصوص تفویض اختیار داوری به دستیار دیوان، از حد ادعا فراتر نمی‌رود و قابل اثبات نیست.^{۱۰۲} ثانیاً، قاضی دادگاه یادآور می‌شود که سرداور به صراحت به طرفین اعلام کرده است که دیوان داوری در رسیدگی به پرونده از کمک دستیار اداری بهره خواهد برد و وظایف دستیار مذکور نیز امور اداری مانند تنظیم جلسات، آماده‌سازی اسناد و مدارک و سایر امور شکلی خواهد بود. همچنین سرداور به طرفین دعوا اطمینان داده بود که تحت هیچ شرایطی دستیار دیوان حق شرکت در تصمیم‌گیری را نخواهد داشت.^{۱۰۳} از سوی دیگر، دادگاه لندن بیان می‌کند طرفین اختلاف، به‌ویژه *سوناتراک*، چه در زمان نصب دستیار و چه در جریان رسیدگی داوری، هرگز به نقش دستیار دیوان اعتراض نداشته‌اند.^{۱۰۴} در نهایت، بنا به مراتب پیش گفته، درخواست *سوناتراک* در این زمینه از سوی محکمه انگلیسی مردود دانسته می‌شود و قضاوت انگلیسی از پرداختن به بررسی بیشتر این موضوع اجتناب می‌کنند.

د. رأی دیوان عالی سوئیس

شاید بتوان گفت مهم‌ترین رویه قضایی موجود تا زمان نگارش پژوهش حاضر که به‌طور خاص و تفصیلی به موضوع استفاده از دستیاران حقوقی در داوری‌های بین‌المللی پرداخته است، رأی سال ۲۰۱۵ دیوان عالی سوئیس است. این پرونده به قراردادی مربوط می‌شود که در سال ۲۰۱۲ میان

100. *Ibid.*, pp. 33-334.

101. *Sonatrach v. Statoil*, [2014] EWHC 875 (Comm) (2 April, 2014), para. 46.

102. *Ibid.*

103. *Ibid.*, para. 47.

104. *Ibid.*, para. 48.

يك كارفرماى لوکزامبورگى و يك پيمانكار سوئيسى به منظور بازسازى بنايى در سوئيس منعقد شد و در اثر بروز اختلاف ميان طرفين، مطابق شرط داورى مندرج در قرارداد، دعوای ایشان در آوريل ۲۰۱۴ نزد داورى منفرد آقای دى^{۱۰۵} اقامه شد. در اواسط سال ۲۰۱۴ و پس از درخواست پيمانكار، داور پرونده اعلام کرد که از کمک مشاور حقوقى مستقل و باتجربه استفاده مى کند و حق الزحمه او را نيز خود خواهد پرداخت. رأى داورى در نوامبر ۲۰۱۴ صادر و پيمانكار به پرداخت بيش از ۲۶۰۰۰۰۰ فرانک سوئيس محکوم شد. در رأى، داور اعلام کرد که از کمک / و /^{۱۰۶} در خصوص تهيه صورت جلسات داورى، مشاوره به ديوان داورى در خصوص ايرادات مطروح از سوى طرفين، و نگارش رأى استفاده کرده ولى تصميم گيرى در خصوص اختلاف به طور کامل توسط شخص او و بدون هرگونه تأثيرگذارى مشاوران مذکور صورت گرفته است.^{۱۰۷}

پيمانكار بلافاصله پس از صدور رأى، با استناد به بند يادشده، دعوای ابطال رأى داورى را بر مبنای عدم تشکيل صحيح ديوان داورى نزد ديوان عالى سوئيس اقامه کرد. خواهان دعوای ابطال مدعى بود رأى داورى در واقع توسط دو داور، يعنى آقای دى (داور اصلى) و آقای / (مشاور حقوقى آقای دى) صادر شده است، در حالى که به موجب شرط داورى، اختلافات بايد از طريق داورى منفرد آقای دى حل و فصل مى شد و بنا بر اين، ديوان داورى به شکل صحيح تشکيل نشده است (نقض شق ۱ بند ۲ ماده ۱۹۰ قانون حقوق بين الملل خصوصى سوئيس).^{۱۰۸}

در بررسى استدلال خواهان، ديوان عالى سوئيس اعلام کرد که قرارداد ميان طرفين و داور، «قائم به شخص»^{۱۰۹} است، به اين معنا که داور مکلف است وظيف محوله را «شخصاً» انجام دهد و نبايد آن را به شخص ثالثى واگذار کند.^{۱۱۰} به عقیده ديوان عالى سوئيس، على الاصول داوران موظف اند در مرحله تصميم گيرى، پرونده را به خوبي بدانند، آن را با دقت بررسى کرده و جوانب پرونده را بررسى و در شکل گيرى اراده ديوان داورى در مورد نتيجه دعوا مشارکت کنند.^{۱۱۱}

با وجود اين، ديوان عالى اعلام کرد که ممنوعيت واگذارى وظيف داورى به شخص ثالث، مانع به کارگيرى دستياران يا مشاوران نيست، بلکه استفاده از دستياران، رويه پذيرفته شده در داورى هاى بين المللى است.^{۱۱۲} در ادامه، ديوان عالى در خصوص وظيف دستيار اعلام کرد که دستياران وظيفى مانند دستياران قضايى در محاکم ملّى را انجام مى دهند که عبارت اند از هماهنگى تبادل لوايح، تمهيد

۱۰۵. به دليل ملاحظات محرمانگى، اسم داور در رأى ديوان عالى سوئيس ذکر نشده است.

۱۰۶. به دليل ملاحظات محرمانگى، اسامى در رأى ديوان عالى سوئيس ذکر نشده است.

107. DFC 4A_709/2014, Swiss Supreme Court, 21 May, 2015, consid. 3.3.

108. Feit and Chassot, *op.cit.*, p. 901.

109. *Intuitu personae*

110. Feit and Chassot, *op.cit.*, p. 901.

111. *Ibid.*

112. *Ibid.*

جلسات استماع، تهیه صورت‌جلسات، تنظیم صورت‌حساب‌ها و سایر اسناد مشابه، و می‌توانند پیش‌نویس بخش‌هایی از رأی را تحت نظارت دقیق دیوان داوری نیز تهیه کنند.^{۱۱۳} در واقع به عقیده قضات دیوان عالی سوئیس، نصب دستیاران حقوقی و مشاوران به‌خودی‌خود ممنوع نیست و مغایرتی با قائم‌به‌شخص بودن امر داوری ندارد، ولی مشمول این ممنوعیت است که وظایف اصلی تصمیم‌گیری در خصوص پرونده به دستیاران یا مشاوران واگذار شود.^{۱۱۴}

در نتیجه، دیوان عالی سوئیس، ادعای خواهان دعوی ابطال را مبنی بر اینکه دستیاران دیوان داوری در واقع به‌عنوان داور عمل کرده‌اند نپذیرفت. علاوه بر این، با توجه به اینکه آقای دی در اوایل رسیدگی داوری، استفاده از دستیاران حقوقی و نقش آن‌ها در رسیدگی را به طرفین اعلام کرده بود و طرفین نیز اعتراضی در این خصوص نداشتند، اعتراض مؤخر پیمانکار نسبت به این موضوع را فاقد حسن‌نیت تشخیص داد.^{۱۱۵} نکته جالب توجه در رأی دیوان عالی سوئیس آن است که به عقیده قضات دیوان، مطابق قوانین داوری سوئیس، نصب دستیاران حقوقی نیاز به رضایت قبلی طرفین دعوا ندارد، اگرچه در صورت مخالفت صریح طرفین دعوا، دیوان داوری باید از نصب دستیاران مذکور اجتناب کند.^{۱۱۶}

هـ. پرونده یوکاس علیه روسیه

اختلاف میان روسیه و شرکت نفت یوکاس که متأخرترین رویه در این زمینه است، از انحلال این شرکت توسط مقامات روسیه به علت فرار مالیاتی‌اش آغاز شد. متعاقب این اقدام روسیه، سهام‌داران یوکاس به استناد معاهده «منشور حقوق انرژی»^{۱۱۷} دعوایی را نزد دیوان دائمی داوری^{۱۱۸} اقامه کردند و موفق شدند در ژوئیه ۲۰۱۴ آرایبی به ارزش بیش از ۵۰ میلیارد دلار علیه روسیه به دست آورند. مطابق انتظار، دولت روسیه دعوی ابطال آرای داوری صادره را نزد دادگاه لاهه اقامه و دادگاه مذکور نیز در آوریل ۲۰۱۶ حکم به ابطال آرای داوری صادر کرد.

یکی از مبانی اصلی مورد ادعای روسیه در این پرونده، نقش بسیار گسترده آقای والاسک،^{۱۱۹} دستیار دیوان داوری، و عدم اطلاع روسیه از اعمالی بود که به او واگذار شده بود.^{۱۲۰} روسیه معتقد بود که اگرچه استفاده از دستیاران حقوقی در رسیدگی‌های داوری بین‌المللی امری معمول است،

113. *Ibid.*, p. 902.

114. Menz and Anya, *op.cit.*, p. 314.

115. Feit and Chassot, *op.cit.*, p. 903.

116. *Ibid.*, p.907.

117. Energy Charter Treaty (ECT)

118. Permanent Court of Arbitration (PCA)

119. Martin Valasek

120. Brief of Russian Federation, *Russian Federation v. Yukos Universal Limited*, C/09/477160 / HA ZA 15-1, January 28, 2015, p. 179, para. 468.

ديوان داورى همچنان موظف است مسئوليت خود را در خصوص پژوهش‌هاى حقوقى مورد نياز انجام دهد و به‌ويژه نگارش رأى داورى بايد در انحصار ديوان داورى بماند.^{۱۲۱}

روسيه در تأييد ادعاى خود مبنى بر تفويض اختيارات ديوان به دستيار حقوقى، به ميزان ساعات مصروف از سوى آقاى و/لاسک و هريك از داوران ديوان استناد مى‌كرد كه نشان مى‌داد وي به‌تنهايى بيش از ۳۰۰۰ ساعت زمان صرف كرده است در حالى كه اين نزديك به ۷۰ درصد بيش از مدت زمانى است كه هريك از داوران صرف كرده‌اند.^{۱۲۲} روسيه مدعى بود كه ديوان داورى، مأموريتى را كه طرفين به ديوان محول كرده‌اند به‌درستى انجام نداده و بسيارى از وظيف ماهوى داوران را به دستيار ديوان واگذار كرده است. در نتيجه، به عقیده روسيه، آقاى و/لاسک در واقع نه به‌عنوان دستيار، بلكه به‌عنوان «داور چهارم» عمل كرده است و لذا با احتساب آقاى و/لاسک، ديوان داورى از چهار عضو تشكيل شده و به همين سبب، مطابق با ماده ۱۰۲۶ قانون آيين دادرسى مدنى هلند، رأى داورى بايد به دليل عدم تشكيل صحيح ديوان داورى ابطال شود.^{۱۲۳}

البته دادگاه لاهه از آن جهت كه ابتدائاً به دليل فقدان صلاحيت ديوان داورى به‌موجب معاهده منشور انرژى، آراى داورى صادر را باطل اعلام كرد،^{۱۲۴} ديگر به مسئله استفاده از دستيار حقوقى توسط ديوان نپرداخت و بنا بر اين، اين فرصت مغتنم براى ايجاد رويه‌اى ارزشمند در اين زمينه از دست رفت.

نتيجه

امروزه استفاده از دستياران حقوقى در داورى‌هاى بين‌المللى، يكي از رويه‌هاى رايج شده است. حضور دستياران حقوقى و خدمات مختلفى كه ارائه مى‌كنند، به‌ويژه در پرونده‌هاى پيچيده و بزرگ، منافع متعددى را از حيث هزينه، زمان، دقت و به‌طور كلى كيفيت رسيدگى دارد.

با اين حال، با توجه به اينكه ماهيت وظيف دستياران حقوقى مى‌تواند منافع طرفين دعوا را به‌طور جدى متأثر كند و نيز به اقتضاي رعايت مسائل مربوط به محرمانگى پرونده و نيز استقلال و بى‌طرفى ديوان داورى (و اعضاى آن)، ضرورت دارد پيش از هر چيز استفاده از دستياران حقوقى، مورد رضايت و قبول طرف‌هاى اختلاف قرار گيرد. به همين دليل، قواعد سازمانى غالباً ديوان‌هاى داورى را ملزم كرده است كه در صورت تصميم به نصب دستيار حقوقى در هر پرونده، اولاً، مراتب را به‌طور كتبه به طرفين دعوا اطلاع دهند و ثانياً، از دستياران حقوقى نيز تعهدهاى لازم را در

121. *Ibid.*

122. *Ibid.*, paras. 492-497.

123. *Ibid.*, paras. 509-510.

124. *Russian Federation v. Yukos Universal Limited, C/09/477160 / HA ZA 15-1 (English Translation)*, The Hague District Court (20 April 2,016), paras. 6.1-6.9.

خصوص حفظ محرمانگی اطلاعات پرونده و نیز فقدان موانع استقلال و بی‌طرفی اخذ کنند. رویه دیوان‌های داوری نیز نشان می‌دهد که داوران برجسته و باتجربه همواره در همان ابتدا این موضوع را به اطلاع طرفین می‌رسانند و مراتب را نیز در سطور و صفحات مقدماتی رأی داوری به‌صراحت ذکر می‌کنند.

پس از نصب دستیاران حقوقی، مهم‌ترین مسئله، توجه به وظایف محوله به ایشان است. رویه‌های داوری و قواعد سازمانی نشان می‌دهد که تا آنجا که وظایف دستیار حقوقی صرفاً در حوزه وظایف اداری و شکلی (مانند تنظیم زمان و مکان جلسات، انتقال مکاتبات دیوان داوری، طبقه‌بندی اسناد و مدارک و...) می‌ماند، ایرادی به دستیار و عملکرد دیوان داوری وارد نخواهد بود؛ ولی مسئله اصلی زمانی ایجاد می‌شود که اعمال محوله به دستیار حقوقی، از حوزه وظایف شکلی و اداری فراتر می‌رود و به فعالیت‌های مربوط به ماهیت دعوا تسری داده می‌شود. در این خصوص حساسیت‌های ویژه‌ای وجود دارد و همواره این تردید را ایجاد می‌کند که آیا دیوان داوری با سپردن امور ماهوی به دستیاران حقوقی، وظایف اساسی داوری را که اصولاً قائم‌به‌شخص بوده و قابل واگذاری به اشخاص ثالث نیست، واگذار کرده است یا خیر؟

بررسی رویه‌قضایی اندکی که در این زمینه وجود دارد نشان می‌دهد که پاسخ قاطع به این پرسش بدون توجه به شرایط خاص هر پرونده و جزئیات اموری که از سوی دستیار انجام شده است امکان‌پذیر نیست. در واقع، در هر مورد باید به این ملاک اساسی توجه داشت که آیا دستیار حقوقی مرز باریک میان امور «اعدادی» و «تصمیم‌گیری در مورد اختلاف» را نقض کرده است یا خیر؟ آنچه اهمیت دارد و مشروعیت اعمال انجام‌شده از سوی دستیار حقوقی را مشخص می‌کند آن است که «تصمیم‌گیری در مورد اختلاف» منحصراً توسط داوران انجام شده باشد و دستیاران حقوقی مشارکتی در این زمینه نداشته باشند.

توجه به معیار فوق، مرجع قضایی رسیدگی‌کننده به اعتراض را همواره قادر می‌کند که در برخورد با مصادیق مختلف فعالیت‌های دستیاران حقوقی بتواند مشروعیت یا عدم مشروعیت عملکرد داور یا دیوان داوری را تشخیص دهد. به‌عنوان نمونه، در مواردی که پیش‌نویس بخش‌هایی از رأی داوری را دستیار حقوقی نگاشته ولی داور یا اعضای دیوان داوری ضمن نظارت دقیق بر عملکرد دستیار حقوقی، پیش‌نویس مذکور را نیز به‌طور کامل مطالعه کرده و اصلاحات لازم را اعمال کرده باشند، صرف استناد به این امر که بخش‌هایی از رأی توسط دستیار حقوقی نگاشته شده است نمی‌تواند مشروعیت رأی را مخدوش کند. در مقابل، در مواردی که رأی داوری را به‌طور کامل دستیار حقوقی نگاشته و نظارت کافی هم از سوی دیوان داوری در این خصوص اعمال نشده باشد، چه‌بسا بتوان ادعا کرد که دستیار حقوقی نقش داور دیگر دیوان را ایفا کرده و خط قرمز میان وظایف دستیاران و وظایف داوران را رعایت نکرده است. همچنین در خصوص شرکت در جلسات

شور بايد ميان شرکت منفعل و شرکت فعال دستيار، تفکيک قائل شد. در مواردى که دستيار صرفاً در راستاى انجام وظايف ادارى خود (مانند تهيه صورت جلسه و يادداشت بردارى) در جلسات شور شرکت کرده باشد، همچنان در جاىگاه دستيار مانده است، ولى چنانچه دستيار حضور فعال و ماهوى در جلسات شور داشته باشد، به اين نحو که به اظهارنظر ماهوى در خصوص موضوعات پرونده بپردازد، مى توان ادعا کرد که نقش دستيار به جاىگاه داورى ارتقا داده شده و عملکرد ديوان داورى از اين حيث قابل نقد است. به هر تقدير، اين مسئله «اثباتى» است که به نحو موردى و با مراجعه و بررسى ادله و امارت موجود امکان پذير است و مطابق اصول مسلم دادرسى، طرفى که مدعى تخلف دستيار حقوقى يا ديوان داورى است بايد بتواند با ارائه ادله محکمه پسند، ادعاى خود را اثبات کند.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- صفایی، سیدحسین؛ حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، چاپ سوم، میزان، ۱۳۹۰.
- کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی، چاپ دوازدهم، میزان، ۱۳۸۶.
- نیکبخت، حمیدرضا؛ داوری تجاری بین‌المللی: آیین داوری، چاپ دوم، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰.

- مقاله

- شمس، عبدالله و سیدفرهاد بطحائی؛ «ماهیت حقوقی داوری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۹۴.
- رضایی، علی و میلاد امیری؛ «انتقال موافقت‌نامه داوری»، مجله مطالعات حقوقی شیراز، دوره نهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶.

- مقررات

- قواعد و آیین داوری مرکز داوری اتاق ایران (۱۳۸۶/۶/۵).

ب) انگلیسی

- Books

- David D. Caron, Lee M. Caplan, *The UNCITRAL Arbitration Rules: A Commentary*, 2nd edn., Oxford University Press, 2013.
- Gary Born, *International Commercial Arbitration*, Kluwer Law International, 2014.
- Jeffrey Waincymer, *Procedure and Evidence in International Arbitration*, Kluwer Law International, 2012.
- Julian D. M. Lew, et. al., *Comparative International Commercial Arbitration*, Kluwer Law International, 2003.
- Mauro Rubino-Sammartano, *International Arbitration: Law and Practice*, 2nd edn., Kluwer Law International, 2001.
- Manuel Arroyo, *Arbitration in Switzerland: The Practitioner's Guide*, Kluwer Law International, 2013.
- Redfern and Hunter, *Law and Practice of International Commercial Arbitration*, 4th edn., Sweet & Maxwell, 2004.
- Richard A. Posner, *How Judges Think*, Harvard University Press, 2008.
- Romano, Cesare et. al., *The Oxford Handbook of Adjudication*, Oxford University Press, 2013.

- Articles

- Bernhard Berger, “Rights and Obligations of Arbitrators in the Deliberations”, *ASA Bulletin*, vol. 31, 2014.
- Constantine Partasides, “The Forth Arbitrator? The Role of Secretaries to Tribunals in International Arbitration”, *Arbitration International*, vol. 18, issue 147, 2002.
- Hong-Lin Yu and Masood Ahmed, “Keeping the Invisible Hand under Control? – Arbitrator’s Mandate and Assisting Third Parties”, *Vindobona Journal of International Commercial Law and Arbitration*, vol. 19, issue 213, 2016.
- James Menz, Anya George, “How Much Assistance Is Permissible: A Note on the Swiss Supreme Court’s Decision on Arbitral Secretaries and Consultants”, *Journal of International Arbitration*, vol. 33, issue 311, 2016.
- Michael Feit, Chloe Terrapon Chassot, “The Swiss Federal Supreme Court Provides Guidance on the Proper Use of Arbitral Secretaries and Arbitrator Consultants under the Swiss *lex arbitri*”, *ASA Bulletin*, vol. 4, issue 897, 2015.
- Michael Polkinghorne, Charles B. Rosenberg, “The Role of the Tribunal Secretary in International Arbitration”, *Dispute Resolution International*, vol. 8, issue 2, 2014.
- Nadine J. Wiehern, “A Court of Clerks, Not of Men”, *De Paul Law Review*, vol. 49, 1999.
- Sally J. Kenney, “Beyond Principals and Agents: Seeing Courts as Organizations by Comparing Referendaires at the European Court of Justice and Law Clerks at the US Supreme Court”, *Comparative Political Studies*, vol. 3, issue 5, June 2000.

- Cases

- Additional Opinion of Professor Dalhuisen in *Campania de Aguas del Aconquija S. A. and Vivendi Universal S.A v. Republic of Argentina*, ICSID Case no. ARB/97/3 (2010), Decision on the Argentine Republic’s Request for Annulment of the Award rendered on 20 August, 2007.
- Brief of Russian Federation, *Russian Federation v. Yukos Universal Limited*, C/09/477160 / HA ZA 15-1, January 28, 2015.
- *Caratube International Oil Company LLP v. Republic of Kazakhstan*, ICSID, Case No. ARB/08/12, Award, 5 June, 2012.
- Challenge of Judge Gaetano Arangio-Ruiz, Iran-United States Claims Tribunal Reports, Cambridge, Grotius Publications Ltd, 1992, vol. 27.
- *Compañía de Aguas del Aconquija S.A., Vivendi Universal v Republic of Argentina*, ICSID Case No. ARB/97/3, Award, 20 August, 2007.
- DFC 4A_709/2014, Swiss Supreme Court, May 21, 2015.
- *Glamis Gold, Ltd. v. United States*, Award Before the Arbitral Tribunal

Constituted under Chapter 11 of the North American Free Trade Agreement, 8 June, 2009.

- *Duke Energy International Peru Investments No. 1, Ltd. v. Republic of Peru*, ICSID Case No. ARB/03/28, Decision on Jurisdiction, 1 February 2006.
- *Oliva v Heller*, United States Circuit Court, Case no. 839 F.2d 37 (2d Cir. 1988).
- *Russian Federation v. Yukos Universal Limited, C/09/477160 / HA ZA 15-1* (English translation), The Hague District Court (20 April, 2016).
- *Sacheri v. Robotto*, Corte di cassazione, 7 June, 1989, ((1991) XVI YBCA 156) in Yearbook Commercial Arbitration, vol. 16, 1991.
- *Sonatrach v Statoil*, [2014] EWHC 875 (Comm) (2 April, 2014).
- *The Rompetrol Group N.V. v. The Republic of Romania*, ICSID Case No. ARB/06/3, Decision on Respondent's Preliminary Objections on Jurisdiction and Admissibility, 18 April, 2008.

- Documents

- Arbitration Act 1996, England, Wales and Northern Ireland.
- Code of Civil Procedure as promulgated on 5 December 2005 (Bundesgesetzblatt (BGBl. Federal Law Gazette) I page 3202; 2006 I page 431; 2007 I page 1781), last amended by Article 1 of the Act dated 10 October 2013 (Federal Law Gazette I page 3786).
- Note on the Appointment of Administrative Secretaries, Singapore International Arbitration Centre (SIAC), 2015.
- Note on the Use of Secretary (Proceedings conducted under the FAI Arbitration Rules and FAI Expedited Arbitration Rules), The Arbitration Institute of Finland Chamber of Commerce, 2013.
- Note to Parties and Arbitral Tribunals on the Conduct of the Arbitration under the ICC Rules of Arbitration, International Chamber of Commerce, 2017.
- Guidelines for Use of Clerks and Tribunal Secretaries in Arbitrations, JAMS International Guidelines on the Use of Secretary to the Arbitral Tribunal, Hong Kong International Arbitration Centre, 2014.
- Hong Kong Administered Arbitration Rules, Hong Kong International Arbitration Centre (HKIAC), 2013.
- ICSID Financial and Administrative Regulations, 2013.
- Note for Arbitrators, London Court of International Arbitration, 2017.
- Switzerland's Federal Statute on Private International Law, 1987.
- The Code of Ethics for Arbitrators in Commercial Disputes, American Arbitration Association, 2004.
- UNCITRAL Notes on Organizing Arbitral Proceedings, United Nations Commission on International Trade Law, 2016.
- Young ICCA Guide on Arbitral Secretaries, International Council for Commercial Arbitration, 2014, The ICCA Reports No. 1.
- Tribunal Rules of Procedure, Iran-United States Claims Tribunal, 3 May, 1983.